طب

تقویم الابدان فارسی

(الذریعه ج ۴ ص ۳۹۵)

مؤلف: حسن بن محمد بن علی بن محمد حسن بن حاجی تبریزی

اول نسخه افتاده اغاز موجود (بهتر است و کم حجم و سودمند ایست و ساخته ام انگیاب بر این ... (کودکان با درشتی و بلغ)

خط نستعلیق — سطور در صفحات مختلف. دارای ۱۶۵ برگ. اندازه ۲۰ س

در سال ۳۰ وقف در سلطنت ... کوثرآبادی ۱۳۲۶

کتب دیگری در این مجموعه کتاب است:

۱ ترجمه بر الساعه رازی

۲ رساله در خواص اطعمه ۱ ۳؟

۳ تشریح الانسان منصور بن محمد بن ... احمد — تاریخ کتابت ۱۲۷۳ — الذریعه — در الذریعه بنام تشریح الابدان

۴ زاد المسافرین

۵ کنز الاغراض

جلد ... (وزیری بزرگ)

...ض خود را دریافت نمایم

... کتاب مزبور را

۶۸۷۲ ترجمه برء الساعه

۶۸۷۳ رساله در خواص اطعمه و اشربه

۶۸۷۴ تشریح الانسان

۶۸۷۵ زاد المسافرین

۶۸۷۶ کنز الامراض

اسم کتاب تقویم الابدان — فارسی — دارای فهرست

مصنف / مؤلف حبیب الله نور الدین محمد بن حبیب الله طبیب تونی

خطی / چاپی نستعلیق مختلف الخط

سال چاپ یا تحریر ۱۲۴۷ عدد اوراق ۱۶۰

جزء کتب طب شماره

شماره عمومی ۶۸۷۱ شماره قبض

واقف دره السلطنه ملکزاده کوثر تاریخ وقف ابان ۱۳۲۶

طول ۳۰ عرض ۲۰ سانتیمتر گنجه

بیشتر است و کم حجم و پر فایده است و سعی تمام این کتاب را بر صورت تقویم و بر حاشیه آن ذکر کرده ام قسمت
مرضها دوازده خانه بر ترتیب اول نام مرض مذکور است و در خانه دوم مزاج صاحب مزاج آن مرض بیشتر عارض شود
مذکور است و در خانه سیم سالها که در ان سال آن مرض بیشتر عارض شود مذکور است و در خانه چهارم فصلی از
فصول چهارگانه که در ان فصل آن مرض بیشتر عارض می شود مذکور است و در خانه پنجم شهری
که در ان شهر آن مرض بیشتر عارض می شود مذکور است و در خانه ششم مذکور میشود که آن
مرض خطرناک است یا نه و در خانه هفتم سبب آن مرض مذکور میشود و در خانه هشتم علامت
آن مرض مذکور میشود و در خانه نهم اینکه در آن مرض استفراغ کلی دفع خلطا از بدن
بهر قسم که باشد خواه قی یا اسهال یا بادرار بول یا بعرق فرمودن باید کرد یا نه مذکور
میشود و مذکور میشود که اگر استفراغ باید کرد به چه طریق باید کرد که مناسب باشد بفصد یا
باسهال یا بحقنه یا امثال آن و چون مردم در باب دوا بکار بردن سه قسمند اول جماعتی اند
که دوای بدمزه بکار نمی توانند برد مانند پادشاهان و اهل تنعم و اطفال قسم دوم گروهی اند
که از بدمزگی دوا چندان مضایقه ندارند لیکن قدرت بر تحصیل بعضی از دواها ندارند مانند
درویشان قسم سیم طایفه اند که دوای بدمزه می توانند خورد و قدرت در تحصیل هر نوع دوا دارند بنا
بر این بعد از خانه نهم دو خانه وضع شده در یکی از ان دو خانه دواهایی که چندان بدمزه نباشد که
مناسب قسم اول از هر درمان است مذکور است و این را معالجه درویشانه و سهل الوجود نامیده ام
و این خانه یازدهم و بعد از خانه خانه دیگر قرار داده ام که در آن خانه در باب معالجه شاه و گدا
منظور نیست بلکه هر تدبیری که مناسب آن مرضی است در ان خانه ذکر می کنیم چنانچه اگر احتیاج بعمل ید باشد
طریقه آن را در ان خانه ذکر میکنیم و این خانه دوازدهم است و این را معالجه آن نامیده ام تم الکتاب بعون الله

زرده تخم مرغ را با شیره بصورت بجای زردی و سیاهی را ببرد و سفیده تخم را با شیره بجای در حمام صورت مصقول کنند
کاو زرد را با آرد جو بیامیزند در سر نهند درد سر ببرد اگر زهره کاو را خشک کنند و زن بخود بردارد فرج را تنگ کند هر که
ده درم تخم ترب را در روغن تازه کنند انگاه در قضیب مالند بغایت سخت شود هر که شیر بز را بیامیزد و در قضیب مالد جما[illegible]
زن او را دوست دارد و بجهت ریح بواسیر نظیر نیست بجمل زرد چو بر هیچک موزه تخم [illegible]
[illegible] خرمای زرد دهل ملک از زرق مخلوط [illegible] کنند بعد از آن این نار را آب کرد
بیخ تازه و بیخ نو را برآورند در توی آن ای مالند تا آن دانها را برچینند [illegible] ف [illegible]
هر رفت که زر وری شود یکی از آنها را بکار برد هر گاه نشدن ف سوم هر گاه نشدن ف [illegible]
بجهت زخم سودا بی نظیر است حاورد نفید ریح منفعت تخم ترب اول را بکوبد در [illegible]
بریزد سرکه دو روز بماند سرکه را آب ترب برچیند دفع دیگر بریزد هر گاه باز هم برچیند دفعه [illegible]
تا آنکه دیگر برنچیند همان تخم ترب را که رتوبت از سرکه دارد بمالد بر زخم سودا بی نظیر است
ت ورق چر بر اورا بردارد مالند اگر بدبک چوش آن فرو برد نسوزد اگر بپر او را [illegible]
مالند آتش او را نه سوزد خاکستر آن را با موم مرهم کنند بر سر کچل مالند موی بر آورد و
پیه او را با پیه ماهی در بدن مالند باد کرم کار نکند اگر بدندان نهند درد ببفیند زبان او را
[illegible] خفته نهند بر آنکه او را خبر باشد سخنها کوید چشم او را بر شکم زن خفته نهند هر چه کرده باشد
بکوید خون او را اگر بر بینی مالند به شود اگر خون ورق را بر چشم که خوش زیادی داشته باشد
فلفور او را بمالند دیگر مو بر نیاورد اگر در پستان دختران مالند بزرگ شود هر مد کوید اما
ورق انجه هست بیرون بیاورند خشک کنند و بسایند چون کسی را زهر داده باشند بیا[illegible]
اگر دست پای ورق را قطع کنند بد نقرص ببندند شفا یابد و چون با نمک و زیت بجو[illegible]